



# سیر آرای تربیتی در تمدن اسلامی

دکتر ماجد عرسان کیلانی

ترجمه، نقد، اضافات

بهروز رفیعی

زمستان ۱۳۹۴

کیلانی، ماجد عرسان، ۱۹۳۷ - م.

سیر آرای تربیتی در تمدن اسلامی / ماجد عرسان کیلانی؛ ترجمه، نقد و اضافات بهروز رفیعی. -  
قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران، مرکز مطالعات  
فرهنگی شهر تهران، ۱۳۸۶.

دوازده، ص. ۴۵۹. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۱۹. علوم تربیتی؛ ۲۰)

ISBN: 978-964-7788-73-1

بها: ۳۳۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. ۳۶۹ - ۴۰۰؛ همچنین به صورت زیر نویس.

نمایه.

۱. اسلام و آموزش و پرورش. ۲. آموزش و پرورش - جنبه‌های قرآنی. الف. رفیعی، بهروز، مترجم.

ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران، مرکز مطالعات

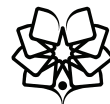
فرهنگی شهر تهران، د. عنوان.

۲۹۷ / ۴۸۳۷

۹ س ک / ۱۸ / ۲۳۰ BP

۱۰۲۸۴۶۹

شماره کتابشناسی



مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران  
سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران



## سیر آرای تربیتی در تمدن اسلامی

مؤلف: دکتر ماجد عرسان کیلانی

ترجمه، نقد و اضافات: بهروز رفیعی

ناشران: «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران»

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ سوم: زمستان ۱۳۹۴ (چاپ دوم: بهار ۱۳۸۷)

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۷۶۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ☎ تلفن: ۰۲۵) ۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰

نمابر: ۳۲۸۰۲۰۹۰، ص. پ. ۲۱۵۱ - ۲۷۱۸۵ ☐ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو ☎ تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

## مقدمه ناشران

نیاز گسترده دانشگاه‌ها جامعه به منابع و متون تربیتی و اسلامی از یک سو و محدودیت امکانات مراکز علمی پژوهشی که خود را متعهد پاسخگویی به این نیاز می‌دانند، از دیگر سو، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دیگر مراکز فرهنگی تربیتی در مسیر اهداف مشترک به کار گرفته شده و افزون بر ارتقای کیفی و کمی تحقیقات و کتابها از دوباره کاری جلوگیری شود.

بدین منظور پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران که عهده‌دار رشد و بهینه‌سازی فرهنگ عمومی و شهری است، دومین کار مشترک خود را با انتشار کتاب سیر آرای تربیتی در تمدن اسلامی به جامعه علمی فرهنگی کشور تقدیم می‌کنند. کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته علوم تربیتی در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا و همچنین اساتید و دیگر علاقه‌مندان تهیه و تنظیم شده است. گروه علوم تربیتی پژوهشگاه با توجه به نیاز جامعه علمی کشور به بازخوانی رؤس آرا و نظرات دانشمندان مسلمان در خصوص تربیت اسلامی، طرحی را در راستای گزینش، ترجمه و نقد آثار سودمند منتشر شده در حوزه عرب زبان جهان اسلام تصویب نمود و در تدارک انجام آن برآمد.

نتیجه این طرح در فراهم کردن مجموعه‌ای از کتب و تک نگاشت‌های تربیتی با عنوان‌های: «مکتب‌ها و گرایش‌های تربیتی در تمدن اسلامی»، «روش‌شناسی تحقیق

در تربیت اسلامی»، «فلسفه تربیت اسلامی» و «سیر آرای تربیتی در تمدن اسلامی» است.

در پایان لازم می‌دانیم از تلاشهای جناب آقای بهروز رفیعی که ترجمه، نقد و الحاق پاره‌ای اضافات را به انجام رسانده‌اند و همچنین از آقایان حجج اسلام علیرضا اعرافی، محمود نوذری، مجید طرقي، هادی رزاقی، محمد داوودی و محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی که در بررسی منابع عربی، ارزیابی طرح، ارائه نکات اصلاحی و ارزیابی نهایی طرح تلاش وافر داشتند، تشکر و قدردانی نماییم.

## فهرست مطالب

مقدمه مترجم.....	۱
مقدمه چاپ نخست.....	۷
مقدمه چاپ دوم.....	۱۳
پیشگفتار [مؤلف]: اهمیت پژوهش در تحول مفهوم نظریه تربیتی در اسلام.....	۱۷
دامنه پژوهش.....	۲۰
آشنایی با اصطلاحات.....	۲۰
نظریه تربیتی [در] اسلام.....	۲۱
فلسفه تربیت [در] اسلام.....	۲۲
پژوهش‌های انجام شده درباره تربیت [در] اسلام.....	۲۲
پی‌نوشت‌های مقدمه چاپ نخست، مقدمه چاپ دوم، پیشگفتار [مؤلف].....	۲۶
پیشگفتار مترجم: نیم‌نگاهی به گوشه‌ای از تاریخ تربیتی شیعه.....	۲۹
معرفی اجمالی شماری از تربیت‌نگاشت‌های شیعه.....	۳۱
فلسفه تربیت.....	۳۴
۱. طبیعت انسان.....	۳۴
۲. شناخت.....	۳۶
۳. گرایش عقلی در اندیشه تربیتی شیعه.....	۳۹
۴. علم و عالمان.....	۴۰
۵. لزوم آموزش و همگانی بودن آن.....	۴۱

۴۲	۶. نقش و اهمیت اخلاق در تربیت
۴۳	۷. خانواده و نقش آن در تربیت کودک
۴۴	برخی از عوامل مؤثر در رویکرد آموزشی شیعه
۴۴	۱. اعتقاد شیعه درباره علم امامان
۴۵	۲. عامل سیاسی
۴۶	۳. وجود منابع مالی نزد امامان (ع) و نواب آن‌ها
۴۶	مکان‌های آموزشی شیعه
۴۶	۱. مکتب‌خانه
۴۶	۲. مساجد
۴۷	۳. منازل عالمان
۴۸	۴. کتابخانه‌ها (دارالکتب‌ها، دارالعلم‌ها)
۵۱	۵. مدرسه
۵۱	مواد آموزشی
۵۳	روش‌های آموزشی و تربیتی
۵۵	معلم و شاگرد
۵۵	۱. آداب و وظایف معلم
۵۵	الف. آداب و وظایف معلم نسبت به خود
۵۷	ب. آداب و وظایف معلم نسبت به شاگرد
۵۸	ج. آداب و وظایف معلم در جلسه درس
۵۹	۲. آداب و وظایف شاگرد
۶۰	الف. آداب و وظایف شاگرد نسبت به خود
۶۱	ب. آداب و وظایف شاگرد نسبت به معلم
۶۴	ج. آداب و وظایف شاگرد نسبت به تحصیل و جلسه درس
۶۵	وضع اجتماعی و مالی معلمان
۶۶	مهم‌ترین مراکز علمی شیعه
۷۸	پی‌نوشت مقدمه و پیشگفتار مترجم
۹۷	فصل اول: اصول نظریه تربیتی در قرآن کریم و سنت شریف
۹۷	فلسفه تربیت در قرآن و سنت

۱۰۵	هدف‌های تربیت اسلامی.....
۱۰۹	حوزه‌های تربیت اسلامی.....
۱۰۹	الف. حوزه عقاید اسلامی.....
۱۱۳	ب. حوزه تزکیه یا تعدیل رفتار.....
۱۱۳	مراحل تزکیه.....
۱۱۴	فرآیند تزکیه.....
۱۱۹	ج. حوزه پرورش فکری و عرضه معارف اسلامی.....
۱۲۱	د. حوزه تربیت عملی.....
۱۲۱	۱. حکمت به معنای پند و اندرز.....
۱۲۲	۲. حکمت به معنای استحکام.....
۱۲۲	۳. حکمت به معنای راه‌حل‌های درست و مناسب.....
۱۲۲	۴. حکمت به معنای توانایی بازشناخت درست از نادرست و.....
۱۲۲	۵. حکمت به معنای فهم و شناخت.....
۱۲۳	۶. حکمت به معنای خوش فکری و داشتن بینش درست نسبت به امور.....
۱۲۳	۷. حکمت به معنای حسن تدبیر و درست به جا آوردن امور.....
۱۲۷	یادگیری.....
۱۲۷	الف. پیوند میان هدف [نیت] و رفتار.....
۱۲۷	ب. جمع میان مبانی نظری و اقدامات عملی.....
۱۲۸	ج. شکل‌گیری گرایش [=ایمان] پیش از فهم و یادگیری مطالب.....
۱۲۹	د. رعایت استعدادهای متعلم.....
۱۳۰	ه. شوق آفرینی.....
۱۳۰	و. پی‌گیری و تکرار.....
۱۳۱	روش‌ها.....
۱۳۱	اصول عامی که تربیت در اسلام را رهنمون می‌کند.....
۱۳۱	الف. تربیت و تحول.....
۱۳۲	ب. موضع‌گیری انتقادی نسبت به میراث گذشتگان و پایبندنبودن به همه آن.....
۱۳۴	ج. تربیت اسلامی و [سیاست] دروازه‌های باز نسبت به تجربه‌های.....
۱۳۵	د. تعامل و همکاری علم و ایمان با یکدیگر.....

۱۳۶	ه. اجباری بودن آموزش
۱۳۷	و. تنها برای خدا آموختن
۱۳۷	ز. استمرار آموزش
۱۳۷	ح. تعیین حوزه عقل با امور حسی
۱۳۸	ط. لزوم وجود معلم برای فراگیر
۱۴۰	پی نوشت‌های فصل اول
۱۵۱	<b>فصل دوم: نظریه تربیتی [در] اسلام در قرن اول هجری</b>
۱۵۱	عواملی که در تحول مفهوم تربیت در قرن اول مؤثر افتادند
۱۵۱	الف. کوشش خلفا برای فراهم ساختن فضا و شرایط آموزش
۱۵۳	ب. سفر دانشمندان برای گسترش اسلام در سرزمین‌های فتح شده
۱۵۳	ج. شرایط اجتماعی و فرهنگی در سرزمین‌های فتح شده
۱۵۴	مفهوم نظریه تربیتی در آن دوره
۱۵۴	الف. مفهوم تربیت و مواد درسی
۱۵۷	ب. یادگیری
۱۶۱	ج. روش‌ها
۱۶۴	د. فراخوانی به برخورد باز و پذیرش اختلاف و تفاوت در آرا
۱۶۵	ه. آداب و وظایف معلم و متعلم
۱۶۷	پی نوشت‌های فصل دوم
۱۷۳	<b>فصل سوم: نظریه تربیتی [در] اسلام در قرن دوم هجری</b>
۱۷۳	عوامل تحول مفهوم نظریه تربیتی [در] اسلام در این دوره
۱۷۳	الف. پیدایش مکتب‌های فقهی و ادبی
۱۷۴	ب. فعالیت فرقه‌های اسلامی
۱۷۵	ج. دادوستد فرهنگی با سرزمین‌های فتح شده
۱۷۵	د. نیازهای سرزمین‌های فتح شده
۱۷۵	نشانه‌های تحول مفهوم نظریه تربیتی در قرن دوم هجری
۱۷۵	الف. مفهوم و محتوای آموزش و برنامه درسی
۱۷۹	ب. یادگیری



ج. اجباری بودن آموزش	۱۸۰
د. روش‌ها	۱۸۱
ه. آداب و اخلاق و وظایف معلم و متعلم	۱۸۶
پی‌نوشت‌های فصل سوم	۱۸۸
<b>فصل چهارم: نظریه تربیتی [در اسلام] در قرن سوم و چهارم هجری قمری</b>	۱۹۳
عوامل تنوع و گوناگونی مفهوم نظریه تربیتی [در] اسلام در این دوره	۱۹۳
الف. جانبداری حاکمان از برخی مذاهب و مکتب‌ها	۱۹۳
ب. فعالیت مذاهب و فرقه‌های اسلامی	۱۹۴
ج. فعالیت حرکت علمی	۱۹۵
نشانه‌های تحول تربیتی	۱۹۶
پیدایش [رویکرد]‌های تربیتی	۱۹۶
۱. [رویکرد] فقیهان و محدثان	۱۹۶
۲. [رویکرد] صوفیان	۲۰۸
۳. [رویکرد] فیلسوفان و عالمان علوم طبیعی	۲۱۱
۴. [رویکرد] عالمان اصولی و کلامیان	۲۱۷
روش‌های آموزشی	۲۱۷
پی‌نوشت‌های فصل چهارم	۲۱۹
<b>فصل پنجم: نظریه تربیتی [در] اسلام در قرن پنجم هجری قمری</b>	۲۲۷
عواملی که زمینه فعالیت اشعریان را در حوزه تربیت فراهم کرد	۲۲۷
الف. پیدایش تقلید مذهبی و رکود تفکر سنی	۲۲۷
ب. تهدیدها و ستیزه‌جویی‌های اسماعیلیه	۲۳۰
ج. دولت عباسی و گردن نهادن به اشراف بر تربیت و پذیرش مکتب اشعری	۲۳۱
نشانه‌های تحول مفهوم نظریه تربیتی آن‌گونه که اشعریان ترسیم کردند	۲۳۲
الف. علی بن محمد ماوردی (۳۶۴ - ۴۵۰ ه.ق)	۲۳۳
ب. احمد بن علی خطیب بغدادی (۳۹۲ - ۴۶۳ ه.ق)	۲۳۹
ج. ابوحامد محمد بن محمد غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ ه.ق)	۲۴۷
پی‌نوشت‌های فصل پنجم	۲۶۷

۲۸۳	فصل ششم: نظریه تربیتی [در] اسلام در قرن ششم و هفتم هجری
۲۸۳	عواملی که به ایستایی مفهوم تربیت انجامید
۲۸۳	الف. گسترش تعصبات مذهبی و تثبیت و تحکیم تقلید
۲۸۵	ب. تسلط دولت بر آموزش
۲۸۹	مظاهر و نمودهای ایستایی در مفاهیم تربیتی
۲۸۹	الف. محدودیت در مفهوم برنامه درسی
۲۹۲	ب. عدم برخورد باز، و منع تعامل و دادوستد با غیرمسلمانان
۲۹۳	ج. رکود و ایستایی مفهوم تربیت، آن طور که زرنوجی (م ۵۹۱ ه. ق) منعکس کرده است
۲۹۵	مفهوم تربیت آن گونه که محمد بن ابراهیم بن جماعه
۲۹۵	الف. فضیلت علم و تعلیم
۲۹۵	ب. یادگیری
۲۹۶	ج. لزوم آموزش به دست معلم
۲۹۷	د. تنظیم برنامه درسی و مراحل آموزشی
۲۹۸	ه. پاداش و تنبیه
۲۹۸	و. روش ها
۲۹۹	ز. آموزش تحقیق و پژوهش
۳۰۰	ح. قواعد و اصول اخلاقی حرفه آموزش و معلمی
۳۰۲	پی نوشت های فصل ششم
۳۰۷	فصل هفتم: جمود و فسردگی نظریه تربیتی در میان مسلمانان
۳۰۷	عواملی که موجب فسردگی نظریه تربیتی شد
۳۰۷	الف. تحکیم و تقویت تعصب و تقلید مذهبی
۳۰۸	ب. کمیابی رهبری های روشنفکرانه
۳۰۹	ج. تأثیر واقفان
۳۰۹	د. درگیری میان فقیهان با محدثان، و فیلسوفان با کلامیان
۳۱۰	مفهوم و محتوای نظریه تربیتی در قرن هشتم
۳۱۰	الف. تکرار معارف گذشتگان و پایبندی به میراث
۳۱۵	ب. برنامه درسی
۳۲۰	ج. فسردگی تربیت صوفیانه و گسترش انحراف در حوزه های آن

۳۲۰	.....	د. آراء ابن خلدون (۷۳۲- ۸۰۸ ه.ق) در تربیت.
۳۲۱	.....	نقش تربیت در جامعه و ارتباط آن با سطح عمران و تمدن در آن.
۳۲۱	.....	آموزش و یادگیری
۳۲۵	.....	پاداش و تنبیه.
۳۲۵	.....	مفهوم و محتوای برنامه درسی
۳۲۵	.....	داشتن معلم و نظم در آموزش.
۳۲۶	.....	روش‌ها.
۳۲۷	.....	نقد روش‌های رایج.
۳۲۹	.....	استمرار فسرده‌گی مفهوم نظریه تربیتی در قرن نهم و دهم هجری قمری.
۳۲۹	.....	الف. مظاهر و نمودهای این فسرده‌گی
۳۳۰	.....	ب. مفهوم تربیت آن‌گونه که ابن حجر هیثمی (۹۰۹- ۹۷۴ ه.ق) نشان داده است
۳۳۱	.....	آزای تربیتی ابن حجر هیثمی
۳۳۲	.....	مفهوم نظریه تربیتی از قرن یازدهم هجری قمری تا دوران معاصر.
۳۳۸	.....	پی‌نوشت‌های فصل هفتم
۳۴۳	.....	<b>فصل هشتم: چند نکته و گفتار پایانی.</b>
۳۴۳	.....	مفهوم نظریه تربیتی [در] اسلام، و روش اسلامی تفکر در برهه‌های شکوفایی و فسرده‌گی
۳۴۵	.....	مفهوم نظریه تربیت [در] اسلام و روش‌های فهم در دوره‌های شکوفایی و فسرده‌گی
۳۴۹	.....	نظریه تربیتی [در] اسلام و آینده تربیت.
۳۵۴	.....	عواملی که به تبلور مفهوم پیشرفته و انسانی نظریه تربیتی اسلام یاری می‌رساند.
۳۵۴	.....	الف. نوسازی تفکر و روش‌های فهم
۳۵۵	.....	ب. برخورد باز با تجربه‌های دیگران
۳۵۶	.....	ج. اتخاذ موضع علمی نسبت به میراث.
۳۵۹	.....	د. آگاهی متخصصان علوم اسلامی از جریان‌های فکری و فرهنگ‌های جهانی
۳۵۹	.....	ه. طرح و تنظیم برنامه درسی
۳۶۰	.....	و. گزینش فراگیران و تقسیم‌بندی آن‌ها.
۳۶۱	.....	خلاصه.
۳۶۶	.....	پی‌نوشت‌های فصل هشتم

۳۶۹	فهرست منابع مؤلف
۳۶۹	الف. منابع عربی
۳۷۶	ب. منابع انگلیسی
۳۸۲	فهرست منابع و مراجع مترجم
۴۰۱	نمایه‌ها

بالای خاک هیچ حکایت نکرده‌اند  
کز وی به دیر و زود نباشد تحولی<sup>۱</sup>

### مقدمه مترجم

۱. پیامبر اکرم(ص)، شیرازه توحیدی امت خویش به تعلیم و تربیت بست. از آیاتی فراوان در قرآن کریم برمی‌آید که کار پیامبر در وحله نخست، تعلیم و تربیت بوده است (بقره/۱۵، آل عمران/۱۶۴، جمعه/۲). اصولاً پیامبری، معلمی از نوع برتر است و انبیا معلمان خدایی بشر بوده‌اند و رسول‌الله(ص) نخستین معلم اسلام و فرجامین معلم الهی بشر به شمار است. این نقش نبوی آن مایه اهمیت داشته است که بی‌گمان اگر معجزه محمدی، آب بر آتش کفر و خرافه نمی‌زد و چراغ تربیت مصطفوی بر نمی‌افروخت، هرگز شرار جهالت بولهبی فروکش نمی‌کرد و از عرب نادیده دفتر و دانش به یمن جمع علم و ایمان (روم/۵۶)، امتی فرهیخته بارنمی‌آمد و فرهنگ و تمدنی سرآمد و تاریخ‌ساز پا نمی‌گرفت.

باری، چون رسول اکرم(ص) رخت جان به جهان دگر کشید، میراث تربیتی او با تفسیرها و تأویل‌های انسانی و غیر وحیانی درآمیخت. مثلاً علم به چندگونه تقسیم شد و جسته‌جسته، اخلاق و ارزش‌ها و اصول و هدف‌ها و روش‌های تعلیم و تربیت ماهیتی فرهنگی - تاریخی به خود گرفت و حقیقت و گوهر آن‌ها به پیرایه‌های انسانی زیب و زینت یافت و از سیاست و اقتصاد و اخلاق و هنر و دستاوردهای عقلانی و فرهنگی دیگر امت‌ها اثر پذیرفت و امت، رفته‌رفته از تعلیم و تربیت اسلامی (= قرآنی و نبوی) دور افتاد و به تعلیم و تربیت در اسلام پا نهاد: مقوله‌ای که در گذر زمان، رنگ دگرگونی گرفت و در طول تاریخ فرهنگ اسلامی - چونان دیگر مقولات تاریخی - دستخوش

---

۱. اصل بیت از سعدی و این‌گونه است: بالای خاک هیچ عمارت نکرده‌اند/کز وی به دیر و زود نباشد تحولی

تطور و تحول شد و فراز و فرودهای بسیار به خود دید و گاه به اوج برآمد و زمانی به حضيض در افتاد، پس تحول در این مقوله نه همیشه منفی و منفور بوده است و نه همواره مثبت و مطلوب.

۲. آن چه پیش رو دارید تلاشی است آغازین برای بررسی این تحول و سیر آن در تاریخ فرهنگ اسلامی که در قالب نگارش کتابی با عنوان «تطور مفهوم النظرية التربوية الإسلامية» پرداخته شده است.

استادان و نویسندگان ایرانی - کثرالله امثالهم - از زمان مرحوم دکتر عیسی صدیق تا کنون، به اقتضای حال و هوای فرهنگی و آموزشی کشور، اندک آثاری در زمینه تاریخ فرهنگ و تعلیم و تربیت پرداخته‌اند، و البته همیشه این مطلب را در حوزه ایران پیش و پس از اسلام کاویده‌اند، و درباره تاریخ فرهنگ و تعلیم و تربیت در اسلام به معنای عام کلمه در کشور ما چیزی قلمی نشده است. در نتیجه دانشجویان و دیگر علاقه‌مندان به این امور، از رهگذر مطالعه این آثار - خواسته یا ناخواسته - تنها با بخش کوچک و ایرانی تاریخ فرهنگ و تعلیم و تربیت در اسلام آشنا می‌شوند.

از این رو، این ترجمه رقم خورد تا شاید اندکی از این کاستی بکاهد و فتح بابی گردد و یا دست کم روزنکی گشوده آید تا در آینده در این زمینه، آثار علمی متقنی به قلم استادان ایرانی پدید آید و جامعه دانشگاهی کشور از این دست ترجمه‌ها بی‌نیاز افتد. «تا در میانه خواسته کردگار چیست.»

۳. با مطالعه آغازین و سردستی متن مبدأ، بر این قلم روشن شد که گاه آن چه نباید، شده است؛ و چون از سر ریزکاوی در زیر و بالای کار نگریست، دریافت که در آیات قرآن کریم نشانه‌های سجاوندی به کار رفته است و گاه بخش‌هایی از دو آیه قرآن کریم درهم بافته و آیتی تازه بر ساخته شده است و گاه آن چه که روایت نیست، روایت خوانده شده است و در ارجاعات شیوه‌ای یگانه پی‌نگرفته نشده است و در آوردن نشانی آیات بی‌دقتی شده است و در ضبط اعلام و ارقام اشتباه رخ داده است... گرچه این‌ها کاستی است و نابایستی، اما از ارزش اصل کار فرو نمی‌کاهد و نشان از تکیه بر حافظه و شتاب در تحریر و ناویراستی متن است.

باری، مترجم همراه ترجمه، بار اصلاح و نقد متن را بر خود هموار داشت و آن مایه

که فراخور سرمایه ناچیز او بود، تلاش کرد متن مقصد را از کاستی‌ها و نابایستی‌های افتاده در متن مبدأ پیراسته و پاکیزه دارد. در نتیجه از ۹۸۶ مورد پی‌نوشت در متن مقصد، دست کم ۵۸۰ مورد آن از مترجم است که با (م.م.) و \* مشخص شده است.

گفتنی است که مترجم، برخی از نقدهای خود را بر مطالب مؤلف محترم، از دیگر نقدها گسسته و آن‌ها را نه در پی‌نوشت‌ها که در پاورقی‌ها آورده است. این به لحاظ اهمیت موضوع از نگاه مترجم و ضرورت آشنایی خواننده گرامی با حقیقت امر، سربزنگاه است.

مترجم سوای اصلاحات و اضافات آمده در پی‌نوشت‌ها، در متن هم اصلاحات و اضافاتی دارد که آن‌ها را در [ ] نهاده است. از دیگر اقدامات صورت گرفته برای آسان‌تر شدن استفاده از متن مقصد، تهیه نمایه‌ای چند از آن است. نیز در مواردی که منابع مؤلف محترم به فارسی ترجمه شده است، مترجم نشانی مطلب را در متن فارسی شده یافته و در کنار ارجاع عربی نشانده است تا مراجعه به منابع برای کسانی که با زبان عربی آشنا نیستند یا منابع عربی در دست‌رس آنان نیست، شدنی باشد. مترجم هم‌چنین آیات قرآن کریم را در متن مقصد مشکل کرده است و در مواردی که در متن مبدأ نشانی آیات و روایات نقل نشده است، نشانی‌ها را جسته و در پی‌نوشت نهاده است، نیز مترجم شیوه تنظیم و عرضه منابع را در پی‌نوشت‌های ارجاعی مؤلف و فهرست منابع او تغییر داده و خطاهای آن‌ها را در حد توان جبران کرده است.

هم‌چنین مترجم، گاه از نقد برخی از مطالب متن مبدأ گذشته است و بنابر مصالحی زدودن آن‌ها را بر شرح و نقدشان ترجیح داده است و البته در این کار بر او عیبی نیست، چه از سویی این ترجمه باز شکافت مطلب و به‌جا آوردن حق سخن را در مورد مطالب محذوف برنمی‌تابد، و از سوی دیگر یا در آن مطالب، ناحق آمده است و یا طرح آن‌ها، برخلاف مصالح فرهنگی کشور و دیدگاه‌های خاص تشیع است و یا هم این بوده است و هم آن.

دیگر آن‌که، بنابر تصریح مؤلف محترم (صفحه ۱۸)، این پژوهش علی‌الاصول و به‌طور عمد در چارچوب [مذاهب] اهل سنت کاوش می‌کند و به مفاهیم تربیتی دیگر مذاهب اسلامی نمی‌پردازد، مگر آن مایه که لازمه تحقیق در حوزه [مذاهب]

اهل سنت است. از این رو و برای آن که این اثر برای جامعه ایرانی مفیدتر افتد و به تاریخ تربیتی شیعه هم اشارتی کوتاه رفته باشد، چند صفحه‌ای با عنوان پیشگفتار مترجم: نیم‌نگاهی به گوشه‌ای از تاریخ تربیتی شیعه، قلمی شد که پس از پیشگفتار [مؤلف] از نظر خواهد گذشت.

۴. مطالب این اثر - سوای پیشگفتار مترجم - در هشت فصل تحریر و تنظیم شده است. فصل یکم درباره تربیت اسلامی است که بر اساس کتاب و سنت پرداخته شده است و در آن تلاش شده است جان مطلب از این دو منبع برگرفته شود و مطالب شرح و بازشکافت تربیت اسلامی باشد، نه تربیت در اسلام. طبیعی است که در این فصل از سیر تحول سخنی نرود. مطالب هفت فصل دیگر کتاب، برخلاف فصل نخست آن، درباره سیر تحول آرای تربیتی در تاریخ فرهنگ و تعلیم و تربیت در اسلام است.

نگارنده در این فصل‌های هفتگانه، از تحول آموزش می‌گوید و روند آن را به اجمال بازمی‌شکافد و به سیر تطور نظریه تربیتی در فرهنگ اسلامی می‌پردازد. گفتنی است که مراد وی از نظریه تربیتی، به واقع همان آرای تربیتی است که گرچه مستند به کتاب و سنت است، اما از محیط و دیدگاه‌های خاص مریبان هم اثر پذیرفته است و مانند دیگر مفاهیم تاریخی، تحول‌پذیر و دگرگون‌شونده است.

باری، نگارنده، در این هفت فصل، از عوامل مؤثر در تحول یاد شده و نیز مصداق‌های این تحول می‌گوید و هر یک را به شرح می‌آورد و گاه این عوامل و مصادیق را در دوره‌های تاریخی گوناگون با یکدیگر مقایسه می‌کند و از ثبات یا تحول روش‌ها و هدف‌ها، آداب و اخلاق آموزشی، برنامه درسی و... می‌گوید و به آرای تربیتی شماری از مریبان مسلمان نظر می‌کند و به رویکرد فقیهان و محدثان، صوفیان، فیلسوفان و عالمان علوم طبیعی، علمای اصول فقه و کلامیان، به تربیت اشاره می‌کند و به برخی از عوامل دخیل افتاده در شکوفایی و فسردهگی تعلیم و تربیت در میان مسلمانان می‌پردازد.

۵. دکتر ماجد عرسان کیلانی، به سال ۱۳۵۶ هجری قمری در استان اربد اردن زاده شد. او در سال ۱۳۸۳ هجری قمری از دانشگاه قاهره در رشته تاریخ لیسانس گرفت و در سال ۱۳۸۹ هجری قمری موفق شد از دانشگاه اردن در رشته علوم تربیتی فارغ‌التحصیل شود. وی در سال ۱۳۹۴ هجری قمری از دانشگاه آمریکایی بیروت در رشته تاریخ



اسلام، فوق لیسانس گرفت و در سال ۱۳۹۶ هجری قمری موفق شد در رشته اصول تعلیم و تربیت از دانشگاه اردن دانشنامه کارشناسی ارشد بگیرد و سرانجام در سال ۱۴۰۱ هجری قمری، به اخذ دانشنامه دکترا در رشته اصول تعلیم و تربیت از دانشگاه پترسبورگ ایالت پنسیلوانیای آمریکا نائل آمد.

شماری از مسؤولیت‌های علمی و اجرایی دکتر کیلانی از این قرار است:

- استاد تاریخ آموزش و پرورش، دانشکده علوم تربیتی دختران، مدینه منوره.
- رئیس مطالعات عربی در مرکز زبان‌های خارجی، دانشگاه پترسبورگ، آمریکا.
- رئیس پژوهش‌های تربیتی وزارت آموزش و پرورش، اردن.
- مدیرگروه رشته تربیت اسلامی و تربیت تطبیقی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه ملک عبدالعزیز، عربستان.

- رئیس مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، نیویورک.

- عضو انجمن تاریخ آموزش و پرورش، آمریکا.

از آقای کیلانی، تاکنون چندین مقاله و چند کتاب در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی منتشر شده است. از کتاب‌های اوست:

فلسفة التربية الإسلامية؛\* مناهج التربية الإسلامية والمربون العاملون فیها؛ التعليم و مستقبل المجتمعات الإسلامية؛ التربية والوعی والتجدید.

۶. این قلم، سخت کوشیده است در حد و اندازه خود، کاری بی‌کاستی کند. از این رو گرد هر نکته، آن مایه گشته است و مطالب را چنان و چندان زیر و بالا کرده است که به درستی و استواری کار خود قانع و پشت‌گرم گشته است و امید آن دارد که چون ترجمه‌اش خوانده شود، گفته آید: خدای خیر دهد آن که این عبارت کرد. با این همه، زبان فارسی و عربی به دریا می‌ماند و این قلم به حباب و مگر، «در حبابی چقدر جلوه کند دریایی». از این رو چون دور نمی‌داند که در کارش گاه و ناخواسته درّ و خرف با هم به رشته کرده باشد، جربزه ندارد چونان صائب بگوید:

منه انگشت بر حرفم اگر درد سخن داری

که بر هر نقطه من صدبار چون پرگار گردیدم

---

\* این اثر دکتر کیلانی، در گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و به این قلم در حال ترجمه است.

لذا بر خود ستم روانمی دارد و از خواننده محترم نمی خواهد که، «تو گوهر بین و از خرمهره بگذر»، بلکه چشم امید و تمنا به نقد و گوشزدهای از سر لطف اهل صفا و معرفت دوخته است و از خدا می خواهد که «روزی ما باد لعل شگرافشان شما».

در پایان به اطاعت از فرمایش حافظ که «به یاران رفته درودی فرست» بر خود فرض می داند ثواب این تلاش را به روح مردی نیک خصال... جناب حجت الاسلام حاج شیخ حسنعلی کرباسی (ره) که مشوق او در تحصیل و تألیف بود، تقدیم دارد و آرزو کند که «روحش قرین رحمت کند خدا».

گر خطا گفتیم، اصلاحش تو کن

مصلحی تو ای تو سلطان سخن

بهر روز رفیعی

۸۴/۴/۲۸

## مقدمه چاپ نخست

یکی از ویژگی‌های جامعه عرب به طور خاص و جامعه اسلامی به طور عام، در مرحله تحول تازه آن دو، پدیده بازگشت به خویشتن پس از دوره تباهی و فسردگی و از خودبیگانگی است: دوره‌ای که آشوب و تقلید و وابستگی‌ای در پی داشت که هنوز هم بر بسیاری از محیط‌های این دو جامعه حاکم است.

بازگشت به خویشتن از میل و آگاهی ویژه می‌آغازد و با مرحله بررسی و پژوهش در ویژگی‌های میراث [مکتوب] در زمینه‌های گوناگون فکر و ساحت‌های رفتار و کرانه‌های فرهنگ و تمدن ادامه می‌یابد و به مرحله خویشتن‌یابی و مشارکت مثبت و سازنده گفتاری و رفتاری در عرصه جهانی می‌انجامد.

بحثی که استاد ماجد کیلانی بدان پرداخته است، پدیده بازگشت به خویشتن را در مرحله پژوهش به تصویر می‌کشد تا ویژگی‌های آن معلوم شود و میراث، احیا و بازآفرینی شود تا زنده و پویا باشد و با شرایط جدید زندگی سازگار افتد، آن هم در یکی از مهمترین ساحت‌ها، یعنی حوزه علمی و عملی تربیت.

پژوهش درباره اصول تربیت اسلامی و ساختار آن، در قالب نظریه یا نظریاتی در طول دوره‌های تاریخی گذشته، بسیار با اهمیت است؛ زیرا از یک سو زمینه را برای تعیین جایگاه تربیت اسلامی و نظریات آن در تاریخ تربیت فراهم می‌کند، و از سوی دیگر نظریه‌ای تربیتی را احیا و بازآفرینی می‌کند که جامعه اسلامی به طور عام و جامعه عرب به طور خاص، سخت بدان نیازمند است و آن را با توجه به مقتضیات عصر و شرایط زندگی شکل می‌دهد.

این از آن روست که این نظریه تربیتی که برگرفته از دو آبخور اصلی و اساسی اسلام یعنی کتاب و سنت است، و ابعاد مادی و معنوی، علمی و اخلاقی، نظری و عملی زندگی انسان را دربرمی‌گیرد، نیاز عصر را به سازواری میان مقتضیات مادی و هدف‌های اخلاقی زندگی پاسخ می‌گوید.

غرب که از کاستی خود در بعد اخلاقی و معنوی می‌نالد، از رهگذر گفتگو با دیگر تمدن‌ها و به ویژه اسلام در پی جبران این کاستی برآمده است، چنان‌که روزه‌گاردی و پیش از او آرنولد توین‌بی و آلدوس هکسلی و دیگران آشکارا این نکته را عنوان کرده‌اند و به صراحت از اسلام نام برده‌اند و یا ویژگی‌هایی را برشمارده‌اند که با اسلام مطابقت دارد.

اندیشه معاصر سرانجام، خود را در وضعیتی بحرانی و درمانده یافت؛ یعنی چون بر آن شد که کاستی‌های اخلاقی و معنوی خویش را جبران کند، خود را با ادیان و فلسفه‌هایی روبه‌رو دید که حوزه طبیعت و ماورای طبیعت را به هم درآمیخته‌اند و این کارشان برای دستاوردهای عقلانی در حوزه طبیعت که از رهگذر جمع میان پژوهش عینی و پژوهش واقع‌گرایانه حاصل شده است، زبانی بزرگ در پی دارد.

اندیشه معاصر اگر به اسلام پناه آورد، خود را از این تنگنای برآمده از قرارگرفتن در میان دو امر که شیرین‌ترین آن دو هم تلخ است، برکنار و آسوده می‌یابد؛ زیرا اسلام درباره هر یک از دو جهان طبیعت و ماورای طبیعت یا عالم غیب و شهود، دیدگاهی بیان می‌دارد که برای هر یک از آن دو جهان، چارچوبی خاص و روشی ویژه رقم می‌زند؛ لذا نه تداخلی در میان است و نه اشتباهی رخ می‌دهد، بلکه آن چه هست همکاری میان این دو جهان است.

جمع میان دانش و فناوری و اخلاق، هدفی است که همه بشر در پی آن کوشاست، و تحقق آن را در چارچوب نظام‌های تربیتی موجود دشوار می‌یابد؛ اما در چارچوب نظام تربیت اسلامی می‌تواند به این هدف دست یابد؛ زیرا اسلام هر سه هدف یاد شده را شامل است و میان آن‌ها به هماهنگی و تناسب قائل است؛ از این رو، این پژوهش در وقتی مناسب عرضه می‌شود. کتاب استاد کیلانی در بردارنده بررسی کامل و فراگیری از اصول تربیت اسلامی [موجود] در متون و منابع اصلی و اساسی اسلام [=قرآن و سنت] و نیز نظریاتی است که در طی دوران اسلامی براساس آن منابع و متون پا گرفته است، و از آن‌ها یاری جسته است.

نگارنده به آثار پژوهندگان پیش از خود چون استادان: اهوانی و طلس و شلبی و عبدالدایم و نخستین پرداخته و آن‌ها را نیک به نقد گرفته است. چکیده نقد او آن است که آنان در حواشی موضوع گشته و به اصل موضوع نپرداخته‌اند و در اصول و روش آن

نکاویده‌اند. یکی از این افراد مهدی نخستین است. وی گمراه و متعصب و مغرض است و تعصبش او را از دیدن حقیقت بازداشته و در نتیجه حاصل تحقیقش نادرست افتاده است. در پژوهش او تحریف و تشویه و مغالطه‌هایی است که کینه‌اش نسبت به عرب و بیزاری او از آن‌ها و تعصبش نسبت به فارسیان، او را بدان‌ها کشانده است.<sup>۱\*</sup>

استاد کیلانی کوشیده است اصول [و مبانی] تربیتی در اسلام را با برگرفتن مؤلفه‌های آن از قرآن و سنت پی‌نهد؛<sup>۲</sup> به دیگر سخن او تلاش کرده است نمایی از انسان آرمانی، آن گونه که از کتاب و سنت برمی‌آید و تحقق آن هدف تربیت اسلامی است، به دست آورد. نگارنده بسیار نیکو و ریزکاوانه عمل کرده است و میان آنچه آن را «اصول [و مبانی نظریه] تربیتی در کتاب و سنت»<sup>۳</sup> خوانده است با آنچه آن را «نظریه تربیتی»<sup>۴</sup> [در اسلام] نامیده که مجموعه‌ای از آرا و افکار متفکران مسلمان - فقیه یا غیر فقیه - در طول دوران اسلامی است، فرق نهاده است. این آرا و افکار، «نظریه» است، زیرا نشان‌دهنده دیدگاهی انسانی است که با آن که برگرفته از اصول موجود در متون وحیانی و احادیث پیامبر معصوم (ص) است، دستخوش ابهام و دگرگونی اصلاحی است.

کیلانی فصل ویژه‌ای را به اصول و مبانی [نظریه تربیتی] اختصاص داده است و در آن برداشت خود را از هدف آرمانی انسان که مبتنی بر عناصر تشکیل‌دهنده او یعنی گل و روح در آمیزه‌ای هماهنگ و متناسب است، عرضه می‌کند؛ سپس به بیان هدف‌های تربیت اسلامی براساس قرآن و سنت می‌پردازد.

برگرفتن سیمای انسان آن‌گونه که هست و آن‌سان که باید باشد، از متن قرآن و تکمیل و تفسیر آن با احادیث نبوی و ریختن آن در قالب نظریه‌ای فراگیر و یکپارچه، کاری است که نیازمند آگاهی گسترده و ژرف‌کاوی در فهم قرآن و هدف‌های آن است. از این رو، این حوزه پژوهشی، زمینه رقابت و تکاپوی پژوهندگانی است که کارشان در این‌باره چونان کار پژوهندگان در طبیعت است که در پی برگرفتن سنن و قوانین طبیعت از پدیده‌های آنند.

---

\* محمد مبارک به کتاب تاریخ سرچشمه‌های اسلامی آموزش و پرورش غرب، نوشته استاد دکتر مهدی نخستین نظر دارد. مرحوم نخستین در این اثر جز کار علمی نکرده است و راستی را سخن به گزاف نگفته است و در کم عیار نسفته است. تجربه مطالعاتی مترجم نشان می‌دهد که اگر این کتاب را یکی از تحصیل‌کردگان عرب نوشته بود، اولاً آن را تاریخ سرچشمه‌های عربی آموزش و پرورش غرب می‌خواند، و ثانیاً تاکنون بی‌گمان رخت عربی به برگرفته بود. کاش محمد مبارک بر دامن علم پیرایه عوام‌زدگی نمی‌بست و چهره دفتر به قلم تهمت و ناروا نمی‌خست و ناسزا نمی‌گفت.

بنابراین، رواست بگوییم آنچه استاد کیلانی عرضه داشته است، تلاشی شخصی است که در کنار کوشش‌های دیگر پژوهشگرانی نهاده شده است، که وی در ساخت و پرداخت نگرش قرآن به انسان و هدف‌های آن و نیز روش‌های تربیتی‌ای که به انسان شایستگی می‌دهد به وظیفه‌اش بپردازد و به هدف‌هایش دست یابد، بدان‌ها رجوع و نظر کرده است؛ پس جای پرداختن دوباره به این امر هست تا در ساختاری دیگر که فراگیرتر و ژرف‌پویانه‌تر و ریزکاوانه‌تر باشد، تهیه و عرضه شود.

بخش دوم این کتاب، مقوله‌ای است که نگاره به حق آن را «نظریه تربیتی [در] اسلام» خوانده است. البته اگر آن را نظریات مریبان و متفکران مسلمان هم نامیده بود، ناحق و ناروا نبود، زیرا چنان که گفتیم، این نظریات، حاصل تلاش‌هایی است که در چارچوب اسلام و متون اصلی آن [قرآن و سنت] صورت گرفته است.

مؤلف این بخش را براساس دو مؤلفه پرداخته است: یکی زمان، چه او در پی بررسی تحول نظریه تربیتی [در] اسلام در طی قرون است؛ و دیگری گزینش مریبان و متفکران حوزه تربیت با ویژگی‌های گوناگونشان از میان فقیهان و محدثان و متکلمان و صوفیان و ادیبان،<sup>۵</sup> و برگرفتن دیدگاه‌های آن‌ها درباره تربیت و روش‌های آن.

بی‌گمان مسأله‌ای که استاد کیلانی، عرضه کرده، دامن‌فراخ است، اما این گستردگی، خواننده را با حجم انبوهی [از مطالب] روبه‌رو می‌کند و مانع نگرش تحلیلی و ریزکاوانه او به مطلب می‌شود؛ البته مؤلف توجیه و دستاویزی دارد که پذیرفته است و آن لزوم عرضه چارچوبی فراگیر در مرحله نخست، و سپس امکان بازگشت به موضوع برای کسی است که در پی تحلیل و ریزکاوی و بسنده کردن به متفکر یا دوره تاریخی خاصی است. با این حال به نظر می‌رسد، او از دو متفکر در حوزه تعلیم و تربیت غفلت کرده است: یکی راغب اصفهانی است که پیش از غزالی زیسته و بر من مسلم است که از او نقل و استفاده کرده است، و دیگری شاطبی اندلسی (۷۹۰ ه.ق) است (الموافقات، ج ۱، ص ۱۷۶-۱۸۱).<sup>۶</sup>

بی‌تردید تربیت شامل دو گروه مؤلفه است: یکی فلسفه و هدف‌ها و اصول آن؛ و دیگری روش‌ها و عوامل آن. استاد کیلانی هر دو گروه مؤلفه را بی‌آن که فصول جداگانه‌ای برای هر یک بگشاید، در تحقیق خود آورده است. این زمینه [پژوهشی] هم‌چنان برای پژوهندگان گشوده است تا به استنباط ویژگی‌های ممتاز تربیت اسلامی

بپردازند و برای مثال معلوم دارند یادگیری و یاددهی دانش برای همگان است و پیشه گروهی [خاص] نیست. یکی دیگر از این ویژگی‌ها، اصل توازن میان هدف‌های یا چنان‌که قرآن نام‌گذاری کرده، قسط است که عبارت است از به جا آوردن حق هریک از جسم و عقل و روح با رعایت اولویت در جمع و ترتیب آن‌ها، [یعنی] همان مقوله‌ای که استاد کیلانی در کتابش با اشارتی کوتاه از آن گذشته است.

استاد کیلانی در این طرح فراگیر و نقشه جامعی که برای برپاداشتن بنای با شکوه تربیت اسلامی با اصول ثابت و تاریخ تحول پذیرش، عرضه کرده است، شایسته تقدیر و تشکر است، نه تنها از سوی عرب‌ها و مسلمانان بلکه از سوی همه انسان‌هایی که خواهان تحقق نمونه آرمانی «انسان کامل» اند که به خلافتش در زمین که خدا او را بدان مکلف کرده است می‌پردازد، و به آن خرسند است و به سعادت جاودانه می‌رسد. ما چشم‌انتظار بحث‌ها و تحقیق‌های دیگر استاد کیلانی هستیم تا در آن‌ها به برخی از مطالبی که در این کتاب بدان‌ها پرداخته است، گسترش و ژرفا بخشد. خداوند او را بر راه راست بدارد و بر توفیقاتش بیفزاید.

محمد مبارک

استاد و مشاور در دانشگاه

ملک عبدالعزیز

جده

رئیس پیشین دانشکده

شریعت در دمشق





## مقدمه چاپ دوم

پژوهش در اصول و تاریخ تربیت اسلامی، مقوله‌ای است که اهمیت آن روبه فزونی است و نیاز به آن به ویژه در برهه دشوار کنونی که جهان اسلام پشت سر می‌نهد، افزایش می‌یابد.

بی‌گمان انبوه خطرات و مشکلاتی که جوامع اسلامی با آن‌ها روبه‌روست، برخاسته از مفاهیم و باورها و ارزش‌ها و گرایش‌های مردم است؛ از این‌رو، کند و کاو در نظام‌های تربیتی‌ای که این مقولات روحی و معنوی را از یکدیگر بازمی‌شناسد و آن‌ها را سمت و سوی می‌دهد، در رأس سیاهه وظایفی است که مسئولیت‌های الزامی، [به‌جا آوردن] آن‌ها را ایجاب می‌کند؛ زیرا تغییر در این‌ها، برابر با دگرگونی و تحول در شرایط اجتماعی و اقتصادی و بحران‌های سیاسی و... در جامعه است: «...إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ<sup>۷</sup>...» در حقیقت خداوند حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند...». اما تغییر مطلوب، آن نیست که از تقلیدی به تقلید دیگر روی کرد و نظام تربیتی سنتی را وانهاد و نظام تربیتی عاریتی‌ای را به جای آن نهادن. از آغاز قرن [بیستم]<sup>۸</sup> مربیان جهان اسلام به‌ویژه آنان که در بخش عربی آن بودند - به هواداران نظام تربیتی سنتی و قدیم، و هواداران نظام تربیتی عاریتی جدید تقسیم می‌شدند و با یکدیگر بر سر نظام تربیتی‌ای که باید کنار نهاده شود، نزاع لفظی داشتند.

این دو گروه متقابل، در روش همانند و در شعار ناهمسان بودند، زیرا هر دو، نظامی را که بدان فرامی‌خواندند، می‌ستودند و به آن چه با آن مخالف بودند می‌تاختند و آن را نکوهش می‌کردند، بی‌آن که بکوشند مطالب را تجزیه و تحلیل و بررسی کنند. اینان چنانکه سخن صحابی بزرگ عبدالله بن مسعود [م ۳۲ ه.ق.] در موردشان صدق می‌کند: در آخرالزمان خطیبان فراوان و فقیهان اندک می‌شوند.

مشکل، نظام تربیتی سنتی یا نظام تربیتی عاریتی جدید نیست، مشکل در روش‌های برخورد با افکار و نظام‌های تربیتی - چه سنتی و چه وارداتی - است.

ما افکار را به عقل خود و فرزندانمان تزریق می‌کنیم، اما آن‌ها را هضم نمی‌کنیم و فرزندان را برای هضم و جذب افکار ورز نمی‌دهیم؛ حاصل این امر، میراندن تفکر و ابتکار است.

فرق میان هضم افکار با تزریق آن‌ها - دقیقاً - مانند فرق میان تزریق غذا با هضم آن است. اگر کسی با خود بگوید: چرا خود را برای جوشاندن شیر و نوشیدن آن و پرکردن معده‌ام به رنج می‌دارم، بگذار یکر است آن را در رگ‌هایم تزریق کنم تا خون آن را به هر جا می‌خواهد برساند؛ نتیجه این کار فساد ترکیب خون است و ای بسا که موجب مرگ انسان شود. اما هنگامی که آن را می‌نوشیم تا معده آن را هضم کند، عملیات دقیق تجزیه و ترکیب و جداسازی روی آن صورت می‌گیرد، سپس بخش مفید آن به اندام‌ها می‌رسد و آن چه به کار بدن نمی‌آید، بیرون رانده می‌شود.

فرق میان هضم افکار و تزریق آن‌ها نیز چنین است: در هضم افکار، ابتدا افکار به عقل پژوهندگان رسانده می‌شود تا آن‌ها را تجزیه و تحلیل و سازوار با نیازهای زمانی و مکانی ترکیب کنند، سپس بخشی از آن را که با زمان یا مکان ساز نمی‌آید، کنار نهد. آن‌گاه بخش سازوار را بر واقعیات زندگی تطبیق دهند و به ارزیابی نتایج حاصل پردازند؛ اما در تزریق افکار، فرد آن‌ها را یکر است از منابع برمی‌گیرد و به خورد عقل و ذهن شاگردان می‌دهد. نتیجه این کار تباهی روش‌های تفکر نزد کودکان و پخش و پریشانی آن میان حال و گذشته، یا جامعه خود و جوامع دیگر است. این روشی است که همه متخصصان تعلیم و تربیت - چه سنتی و چه جدید - یکسان از آن پیروی می‌کنند.

افکاری که با آن‌ها روبه‌رو می‌شویم و بدان‌ها می‌پردازیم، از حیث مصدر و آبشخور بر دو قسم است: یک نوع از پدران و گذشتگانمان به ما رسیده است؛ نوع دیگر را یا وضع کنونی ما از رهگذر رویارویی ما با این وضعیت پدید می‌آورد، و یا از رهگذر رویارویی ما با خارج، از خارج بر ما یورش می‌آورد.

کار خطرناکی است که نسبت به هریک از این دو نوع، پیش از آن که آن‌ها را بازکاویم و هضم کنیم و بیازماییم و ارزیابی کنیم، موضع بگیریم. این پژوهش بر نوع نخست که از پدرانمان گرفته‌ایم متمرکز است و از اصول اندیشه تربیتی اسلام می‌آغازد؛ سپس روند تاریخی آن را پی می‌گیرد و تحولاتی را که در آن روی داده است، تا به نسل‌های کنونی رسیده است، بازمی‌شکافد.

شاید علل و انگیزه‌های این پژوهش و متقاعد شدن کامل نسبت به ضرورت آن،

هنگامی تقویت شود که دریابیم بزرگان اندیشه تربیتی در آمریکا و اروپا و روسیه - که خبرگانی به شمارند که با کشورهای خاورمیانه دادوستد و همکاری دارند - دانشجویان خود را برای ناآشنایی با نظام تربیتی‌ای که فرهنگ و تمدنی پدیدآورد که چندین قرن همگام با تمدن بشری پیش آمد، نکوهش می‌کنند. نمونه این مطلب چیزی است که پرفسور بایارد داج نوشته است «هنگامی که دانشجویان به مطالعه تربیت در سده‌های میانه می‌پردازند، اغلب فراموش می‌کنند که دوشادوش تعلیم و تربیت لاتینی، تربیت و فرهنگ اسلامی<sup>۹</sup> شکوفایی وجود دارد که از اسپانیا تا افغانستان امتداد دارد و در نوزایی اروپا نیک مؤثر افتاد. امید است این وجیزه بتواند دانشجویان را که عربی نمی‌دانند یاری کند تا بتوانند سطح مدارس و تعلیم و تربیت در کشورهای اسلامی را برآورد کنند و حدس بزنند.»<sup>۱۰</sup>

گرچه درخواست‌های محققان و پافشاری دوستان اهل نظر، اقتضا کرد این کتاب بدون تغییر و تحولی بنیادین تجدید چاپ شود، اما نیازهای دوران و میزان تهدیدها و خطرات و شرایط دوران تحول و گذاری که جهان عرب و اسلام با آن روبه‌رو است، اقتضا می‌کند تحقیقات دقیق و مفصلی درباره مشکلات تربیتی جهان اسلام که مربوط به [درک ناصواب یا برخورد نادرست با] اصول اسلامی آن و تعاملات و برخوردهایش با نظام‌های تربیتی معاصر است، صورت پذیرد؛ نیز لازم است همه افکار رسیده در این خصوص را هضم کنیم تا فهمی اسلامی درافکنیم که در ضمن آن از آینده‌ای اسلامی بگوییم. این کاری است که طرحش را ریخته‌ام - با توفیق خداوند بزرگ - و گامی هم برداشته‌ام و آرزو مندم به زودی توفیق یابم آن را در پژوهشی جداگانه و مفصل عرضه کنم.

امیدوارم خداوند با یاری و توفیقش مرا دست گیرد. ما را دانشی جز آنچه به ما آموخته است نیست، و فهمی هم نداریم، مگر آنچه به ما فهمانده است، او بهترین مولی و برترین یاور است.



## اهمیت پژوهش در تحول مفهوم نظریه تربیتی در اسلام

در تاریخ تربیت اسلامی ویژگی خاصی وجود دارد و آن این است که این تربیت در آغاز تمدن اسلامی به نیازها و مشکلات جوامعی که خیزش اسلامی آنها را دربرمی‌گرفت، پاسخ می‌داد؛ هم‌چنان‌که فرد مسلمان را قادر می‌ساخت فرهنگ‌هایی را که در سرزمین‌های فتح شده با آنها روبه‌رو می‌شد فهم و جذب کند و با آنها دادوستد ورزد و آهنگ تفکر انسانی را پی‌گیرد. به این ترتیب، تولید فرهنگی پدید آمد و میراثی علمی فراهم شد که انسان اروپایی آن را پروراند و متحول ساخت تا به وضعی که در جهان معاصر دارد رسید.

با این حال، تربیت اسلامی در دوره‌های متأخر بار معنای خاصی به خود گرفت که خلاصه‌اش بازگفت معارف پیشینیان بود، نه چیز دیگر. این مسأله‌ای است که بسیاری از رهبران تفکر اسلامی معاصر، خطر آن را گوشزد کرده‌اند، مثلاً ابوالاعلی مودودی می‌گوید: «مراکز آموزش و ارشاد دینی جهان اسلام هنوز هم خشک و انعطاف‌ناپذیر است؛ چرا که، بر مدار همان خطای گذشته‌ای می‌گردد که ما را به این حال اندوهدار و غم‌انگیز کشانده است. آنان بر این باورند که دانش و معرفت باید به آنچه گذشتگان برای ما نهاده‌اند خلاصه شود.»<sup>۱۱</sup> او به بحث درباره نظام آموزشی موجود در مراکز آموزشی اسلامی می‌پردازد و می‌گوید: «چنین نظامی محال است، مردانی بار آورد که بتوانند در نظام آموزشی انقلابی برپا کنند.»<sup>۱۲</sup>

این مسأله می‌رساند که مفهوم نظریه تربیتی، دستخوش تحول شده است و بارها دوره‌های نوآوری و پویایی، و جمود و فسرده‌گی را پشت سر نهاده است. مطالعه و بررسی تحولاتی که این مفهوم سپری کرده است و تعیین عوامل پویایی و اسباب فسرده‌گی آن، مقوله‌ای است که به دلایلی اهمیت و آثاری دارد که مهمترین آنها این‌هاست:

نخست، کاستی‌ها و نابایستی‌های مفهومی‌ای که دام‌گیر تربیت اسلامی شده است،

به محتوای برنامه‌های درسی‌ای که بر تکرار و بازگفت آن چه گذشتگان برجای نهاده‌اند، بسنده می‌کند، منحصر نمی‌شود، بلکه به طرز تفکر حاکم بر این مراکز هم کشیده می‌شود. این طرز تفکر با تحولات زندگی همگام نیست و با مشکلات معاصر ساز نمی‌آید، و در چارچوبی محدود و مشخص از مسائل ساده و فرعی خلاصه می‌شود و در بند قداست هر امر کهن است و شجاعت کاوش در وضع موجود و نقد و آزمودن آن را ندارد و به حد ابتکار و نوآوری فرانمی‌رود و در داوری‌هایش بر روش‌های قیاس ارتجالی و تعمیم مبتنی بر گمان و انگاره‌های خشک و بی‌روح و دور از روش تفکر علمی تکیه می‌کند.

دومین دلیل، ویژگی‌ها و جزئیات تحولاتی که در طی برهه طولانی و ممتد میان دوره روشن‌اندیشی و تسامح<sup>۱۳</sup> و دوره جمود و فسردگی در مفهوم تربیت [در] اسلام رخ داد، هم‌چنان مبهم و پیچیده مانده است، از این رو دشوار است فرق قائل شویم میان آن‌چه که به طور مستقیم با اصول موجود در قرآن کریم و سنت ارتباط دارد و آن مایه انعطاف‌پذیر است که می‌تواند با نیازها و مشکلات روز [براساس سیاست] دروازه‌های باز برخورد کند، با آن‌چه که از اجتهادها و تفسیرهایی است که نیازهای روز و شرایط تحول و گذاری که در جامعه اسلامی روی داد، آن را طلبید؛ یعنی، اجتهادها و تفسیرهایی که در آن‌ها احتمال خطا و صواب هر دو می‌رفت، یا آن‌چه که تحول و نوسازی را اقتضا می‌کرد، یا آن‌چه که نقشش را ایفا کرده بود و دوران‌ش پایان یافته بود.

دلیل فرجامین، یکی از مشکلاتی که جامعه عرب معاصر با آن درگیر است، موضع‌گیری محدود و نافراگیر نسبت به مفاهیم اسلامی در هر طرح و برنامه تربیتی است؛ البته ناآگاهی نسبت به مفهوم نظریه تربیتی در اسلام و تحولاتی که در تاریخ اسلام - چنان‌که گفتیم - در آن روی داده است هر تلاشی را برای تعیین و اتخاذ چنین موضعی دشوار می‌کند. نمونه آشکار آن توافق‌نامه‌های فرهنگی عرب و هدف‌هایی است که برنامه‌ها و طرح‌های عربی تعیین می‌کند، چه همه این‌ها از تعیین موضعی مشخص و دقیق نسبت به میراث اسلامی تن می‌زنند و به تعمیم‌های بسیار فراگیر و پیچیده و گنگ پناه می‌جویند.<sup>۱۴</sup> نمونه دیگر آن را در تلاش‌های معطوف به اصلاحات تربیتی‌ای می‌یابیم که تاریخ تربیت در جوامع جدید عرب شاهد آن بوده است. این تلاش‌ها با موضع‌گیری تند روانه‌ای آغاز می‌شد که به مفهوم تربیت [در] اسلام می‌تاخت و آن را